

اسلام در مالزی (Malaysia)

عبدالمجید ناصری داوودی*

چکیده

مالزی یکی از کشورهای مهم و پیشرفته اسلامی در حوزه جنوب شرق آسیاست. اسلام همزمان با ورود در این سرزمین به جزایر اطراف آن چون اندونزی، فیلیپین و تایلند نیز وارد شد و به سرعت در میان اقوام ساکن آن مجموعه جزایر به ویژه ساکنان بومی نفوذ کرد و به تدریج جزء هویت و بخش اساسی شا کله فرهنگی و بن مایه ارزشی شان گردید.

اسلام در این سرزمین به صورت مسالمت آمیز و از راه های مهاجرت، تجارت و دعوت راه یافت و مهم ترین و اصلی ترین قوم آن یعنی مالایو را به خود جذب کرد و کم کم جزء جدایی ناپذیر از اندیشه، فرهنگ و حیات اجتماعی آنان گردید.

مقاومت در برابر استعمار نیز توسط مسلمانان و با پشتوانه فرهنگ و ارزش های اسلامی آغاز شد و امروزه نیز اسلام نه تنها در زوایای زندگی و در درون خانه ها و انواع آداب و رسوم و فرهنگ مردم مسلمان آن مناطق جلوه گراست، در مسائل اجتماعی و سیاسی نیز رو به پیشرفت است. این در حالی است که باورمندی بدان حتی نزد اقلیت های دینی بودایی، مسیحی، هندویی و مذاهب محلی دیگر نیز به عنوان یک ارزش و برتری روانی، طبقاتی و قومی تلقی می گردد و پیشرفت های مالزی به ویژه از لحاظ ریشه کن نمودن بی سواد، رفاه اجتماعی و درآمد بالای سرانه و توسعه نسبتاً متوازن را هم رهبران سیاسی و هم رهبران مذهبی در اثرا کمیت اسلام بر فرهنگ و اندیشه و رفتار مردم مالزی می دانند نه عامل دیگر.

مقدمه

مالزی یکی از کشورهای معروف و پیشرفته اسلامی است که در دهه های اخیر شهرت یافته و به عنوان پیشرفته ترین و مرفه ترین کشور اسلامی ای شناخته شده است که توسعه نسبتاً متوازن و پایدار را تجربه می کند.

* دانشجوی دکتری تاریخ، محقق و نویسنده.

به دلیل همین پیشرفت روز افزون و امنیت پایدار، آن کشور در سال‌های اخیر نخست ریاست سازمان کنفرانس اسلامی سپس ریاست کشورهای عدم تعهد را به عهده داشته است. در منطقه و مسائل بین‌المللی نیز نقش این کشور افزایش یافته و در دهه‌های اخیر از دو خطر بزرگ بحران اقتصادی جنوب شرق آسیا و زلزله ویرانگر سونامی در سال گذشته نیز کمترین آسیب را دیده است. از این رو بر خلاف بسیاری از همسایگان خویش، روند رو به رشد اقتصادی و سیاسی خود را همچنان ادامه می‌دهد (یاوری، ۱۳۷۱: ۲۴۷).

موقعیت جغرافیایی

این کشور در جنوب شرق آسیا واقع شده است. کشور تایلند در شمال و اندونزی در جنوب شرق آن قرار گرفته‌اند. دریای چین در شرق و اقیانوس‌های هند و آرام در جنوب و شرق آن موقعیت دارد. مساحت کشور ۳۳۰۴۳۴ کیلومتر می‌باشد و مرکب از سه جزیره مهم ساراواک، مالایا و صباح است. سواحل شرقی آن که به دریای چین جنوبی مشرف است به تعدادی جزایر و تخته سنگ‌های مرجانی ختم می‌شود. مهم‌ترین راه ارتباطی اقیانوس هند و اقیانوس آرام، تنگه مالاکا، در سواحل غربی آن واقع شده است این سواحل بدون بریدگی و بعضاً دارای باتلاق می‌باشند که برای تأسیسات بندری مساعد نیست.

رودهای معروف آن «پاهانگ» و «کلانتان» نام دارند که به دریای چین جنوبی می‌ریزند. این کشور دارای آب و هوای استوایی بوده ۷۵٪ خاک آن را جنگل‌های استوایی پوشش می‌دهد. آب و هوای آن در کل گرم و مرطوب است و در معرض وزش بادهای «موسون» قرار دارد. با این همه، پوشش گیاهی شبه جزیره، جنگل‌های انبوه و همیشه سبز استوایی است. در واقع متراکم‌ترین پوشش گیاهی آب و هوای مناطق گرم و مرطوب را می‌توان در مالزی مشاهده کرد. ترکیب گیاهی مالزی در شمار غنی‌ترین نوع در جهان است و حدود ۸۰۰۰ گونه گیاهی که ۲۵۰۰ نوع آن درخت است در مالزی می‌روید. میزان تراکم پوشش جنگلی و گیاهی به گونه‌ای است که غالباً مانع از تابش نور خورشید به زمین می‌شود، هر چند در دهه‌های اخیر وزش بادهای شدید و طوفان‌های استوایی به قسمتهایی از آن آسیب جدی وارد کرده است (مالزی، ۱۳۷۳: ۸۴).

اقوام و نژادها

مالزی گذرگاه اصلی و مهم در آب‌های جنوب شرقی آسیا است و این موقعیت باعث شده اقوام و نژادهای مختلف از نقاط دیگر آسیا به سوی این سرزمین هجوم آورده و در کل چهار گروه عمده

نژادی و قومی را به وجود آورند و ارانگ اصلی، مالایو، چینی و شبه قاره‌ای «هند» در آن سکنا گزینند.

گروه ارانگ اصلی از لحاظ کمیت کوچک‌ترین گروه قومی بوده و به سه گروه عمده کوچک‌تر تقسیم می‌شوند: جاکیون، سمانگ و سنوی. این گروه‌ها از لحاظ دینی و فرهنگی نیز همگونی ندارند. شماری از آنان اسلام آورده‌اند و بقیه که بیشترشان را شامل می‌شود پیرو مذاهب سنتی هستند.

قوم مالایو که بیش از نیمی از جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند و به لحاظ سیاسی مهم‌ترین قوم کشور شمرده می‌شوند، قویاً به اسلام معتقد و دارای فرهنگ و زبان و دین مشترک می‌باشند. دین اسلام مهم‌ترین مؤلفه فرهنگی و ویژگی این قوم است.

قوم دیگر در مالزی یعنی چینی‌ها خود به هفت گروه کوچک‌تر تقسیم شده و در برخی استان‌ها تا یک سوم جمعیت را به خود اختصاص می‌دهند. قوم چهارم از مردمان شبه قاره «هند» هستند که هندی، پاکستانی و سریلانکایی می‌باشند و حدود ده درصد جمعیت کشور را تشکیل می‌دهند. در مورد اقوام کشور این نکته قابل یادآوری است که جزایر مختلف از لحاظ تنوع قومی شرایط یکسان نداشته و جزایر شرقی یا مالزی شرقی از حیث تنوع بیشتر دارند و در حقیقت دو جزیره ساراواک و صباح، حدود ۲۵ گروه قومی را در خود جای داده‌اند.

نگاهی به گذشته

مجموعه جزایری که امروزه به عنوان مالزی خوانده می‌شود، سرنوشت جدایی از مجموعه‌های اطراف آن که کشورهای اندونزی، فلپین و سنگاپور، تایلند و غیره را تشکیل می‌دهند، ندارد و پیشینه سکونت در آنها به هزاران سال قبل بر می‌گردد.

پژوهش‌های باستان‌شناسی نشان می‌دهد که از حدود شش هزار سال پیش، مردم بومی مالزی در آن منطقه ساکن بوده‌اند و تمدن‌های کهن عصر برنز و فرهنگ‌های کهن در آن نقطه ردپایی از خود بر جای گذاشته‌اند. با آن که سابقه حضور چینی‌ها در حوزه جنوب شرق آسیا بیشتر است اما تأثیر تمدن و فرهنگ هند که به قرن دوم قبل از میلاد بر می‌گردد، فراگیرتر و مانا تر به چشم می‌خورد و هندی‌ها با ورود خویش منطقه را به قول معروف (هندونیزه) نموده و مالزی نیز همان تجربه اندونزی را در این رهگذر از سرگذرانده است (گلی‌زواره، ۱۳۷۸: ۲۵۷).

در طول هزار سال اول بعد از میلاد، ساحل شرقی مالزی با مهاجرت‌های مردم هند و سایر مناطق

آسیا دچار تحول شده و دولت‌های کوچک زمام امور مردم را به نحوی در دست گرفته‌اند. برخی منابع شمار این دولت‌ها را تا سی دولت دانسته‌اند. نژادها و اقوام مختلف با مردم بومی که عمدتاً مالایو خوانده می‌شد، اختلاط نژادی و فرهنگی یافته و تحت تأثیر و تأثر ناشی از آن، گذشته تاریخی مردم ساکن در این جزایر با اندیشه، فرهنگ و بن‌مایه فکری و فرهنگی شبه قاره‌ای چهره بسته است.

ورود اسلام

همان‌گونه که اشاره شد، قبل از اسلام وحدت نژادی و فرهنگی و سیاسی در مالزی شکل نگرفته بود و مردم جزایر مختلف و چه بسا جزیره واحد دارای ناهمگونی فراوان بوده و نقاط اشتراک چندانی نداشتند. دولت بزرگ و امپراتوری واحد نیز در آن سرزمین شکل نگرفت تا از لحاظ سیاسی تعامل اقوام گوناگون را هر چند به گونه ظاهری تسهیل نموده، زمینه هماهنگی و روابط اهالی را فراهم نماید. حکومت‌های کوچک نیز بسا منافع خود را در تضاد بیشتر و فاصله عمیق‌تر مردم منطقه می‌دیدند و در صدد رفع شکاف‌ها و فاصله بر نمی‌آمدند.

شرایط تجاری جزایر مالزی و سودآوری محصولات کشاورزی و حاصلخیزی آن باعث شد تا تاجران مسلمان از جنوب و غرب آسیا وارد آن سرزمین شده، روابط نزدیک و پایداری را با مردم محلی برقرار نمایند. برخی از آنان به تدریج سکونت دائمی را در آنجا اختیار کرده و شماری پس از خود جذب آن دیار کردند.

با افزایش این مهاجران، مردم مالزی به اسلام آشنا شدند و با توجه به جهان‌بینی، خردورزی و تفوق فرهنگی مسلمانان، روند جذب قوم عمده و نسبتاً برتر مالزی (مالایو) به اسلام به روش مسالمت‌آمیز و فرهنگی آغاز شد و پس از ورود تعدادی از آنان، تبلیغ و ترویج این آیین در میان اهالی آن شکل گرفت و روز به روز افزایش یافت.

با توجه به حکومت‌های محلی کوچک، به زودی اسلام خود را در رأس حاکمیت یافت و به عنوان دین رسمی برخی حکومت‌ها جلوه‌گر گردید. هند که با وجود ورود زود هنگام اسلام به آن هم‌چنان به عنوان دین اقلیت و مهاجمان تلقی می‌گردید، در مالزی سرنوشت دیگری پیدا کرد. (همان)

تفاوت‌های اثرگذار

ورود فرهنگی اسلام در مالزی که در قالب مهاجرت مسلمانان بازرگان، تعامل مالایوها با مسلمانان و پذیرش اسلام و تبلیغ و دعوت مردم به اسلام چهره بست، نخستین تفاوت بین ورود

اسلام در جنوب شرق آسیا و لشکرکشی مسلمانان به جنوب آسیا یعنی هند بود. لشکرکشی به شبه قاره هند این مزیت را داشت که ورود اسلام و تلاش‌های مسلمانان را در آن ناحیه مورد ثبت و ضبط مورخان و تمجید شاعران و اهتمام فقها و مباهات خلفا و سلاطین قرار داد و به این منطقه هویت تاریخی بخشید، اما در مجموع پی‌آمدهای فراوان در پی‌داشت و گاه همزمان با پیشروی ظاهری مسلمانان، حضور اسلام به چالش کشیده می‌شد (داوودی: ۱۸۵ و ۲۲۱).

ورود فرهنگی و مسالمت‌آمیز اسلام در جنوب شرقی بدن جهت از پیشینه روشن و مستند تا حدودی محروم است که چنین ورودی معمولاً با آهستگی همراه است و به دلیل نامحسوس بودن آن تا سال‌ها بعد مورد اهتمام اهل قلم قرار نمی‌گیرد، چنان‌که اهل سیاست نیز یا از آن بی‌خبرند و یا بدان رغبت نشان نمی‌دهند.

رویکرد مردم مالزی به اسلام نیز با مردم هند متفاوت بود. در هند اسلام از سوی مردم مستضعف و عمدتاً فقیر پذیرفته شد و اهل دانش، سیاست، فرهنگ و صنعت و هنر یا جزیه پذیرفته بر آیین خود ماندند و یا به سوی مناطق جنوبی هند کوچ نموده و تمدن و فرهنگ هندی را بدان حوزه انتقال دادند. در عمل تا سالیان طولانی، اسلام آیین وارداتی و از خارج شناخته می‌شد که افراد بی‌بضاعت بدان روی می‌آوردند یا ترسوها زیرضربت شمشیر بدان اقبال نشان می‌دادند. اما در مالزی این طبقه فرهنگی، اشراف، بازرگانان و پیشقراولان اجتماعی بودند که اسلام را پذیرفته و به عنوان یک فرهنگ متعالی و رویکرد فرهنگی تکاملی و شایسته حیات انسانی و مترقی بدان اقبال نشان داده و به تدریج آن را باور نمودند (گلی‌زواره، ۱۳۷۸: ۲۵۹).

در حوزه جنوب شرقی آسیا، ورود اسلام مساوی پیشرفت روزافزون مردم، رهیدن از دام انواع باورهای خرافی و تفرقه‌انگیز، کسب هویت ملی و همبستگی عمیق و فرهنگی - عاطفی مردم و پیوستن آن ملت به اقیانوس جهان اسلام تلقی گردید و کمترین تخریب، ویرانی، کشتار و غارتگری حتی توسط فرماندهان بریده از مرکز و یا حاکمان خودسر با سپر قرار دادن این آیین آسمانی و معجزه جاویدان الهی به وقوع نپیوست. اسلام نه تنها مردم یک جزیره را به هم پیوند زد بلکه جزایر از هم جدا و گاهی در مقابل هم را شیرازه بند گردید و در هماهنگی و یکدستگی و هویت واحد دینی و اسلامی آنها اثر ژرف گذاشت.

اسلام هر چند در قرن‌های دوم و سوم هجری وارد این خطه گردید، حضور گسترده و پیشرفت اصلی آن را از قرن پانزدهم میلادی یا نهم هجری به بعد دانسته‌اند و به نظر می‌رسد در این فرایند

مهم، حکومت قدرتمند مغولان کبیر در هند و سلسله مهم صفویه و عثمانی در غرب، بر جهان اسلام بی‌تأثیر نبوده‌اند.

اسلام به تدریج تقریباً همهٔ مردم مالزی را به خود جذب نموده ولی از آن‌جا که این ناحیه همواره در معرض هجوم مهاجران و ورود اقوام چینی، هندی و دیگران بود، اقلیت‌های جدید بودایی، هندویی و در سالهای استعمار مسیحی در آن پدید آمد و به تدریج بخشی از ساکنان آن سرزمین را به خود اختصاص داد. با وجود این، اسلام همچنان غلبه دارد و مسلمانان عظمت و اکثریت خود را تثبیت نموده‌اند.

مالزی و معضل استعمار

قوای استعمار در قرن شانزدهم با پیشاهنگی پرتقال وارد جزایر مالزی شد و پس از مدتی در قرن هفدهم هلند و در قرن نوزدهم انگلیس جای آنها را گرفت و در آن سرزمین اسلامی لانه کرد. (دایرةالمعارف بزرگ اسلامی: ۳۵۹/۱۰) این در حالی بود که اسلام هم‌چنان در میان مردم بومی در حال پیشروی بود و لشکر استعمار نه تنها از سرعت گسترش آن نکاست بلکه در اثر غارتگری، زورگویی و سرکوبی که از خود نشان داد بر سرعت آن افزود و مردم را به جنبه‌های گوناگون اسلام و مزایای آن بیشتر آشنا کرد.

در زمان حاکمیت انگلیس در قرن نوزدهم در مالزی، فعالیت عقبهٔ دیگر استعمار یعنی مسیونرها در ترویج مسیحیت شدید گردید. آنان با پشتیبانی حکومت استعمارگر انگلیس و جهان غرب مسیحی از راه‌های مختلف، ترویج مسیحیت را دنبال نمودند و با تأسیس مراکز پزشکی، مدارس مذهبی و غیرمذهبی و تبلیغ مستقیم، در صدد تضعیف اسلام و مسیحی نمودن مردم مالزی برآمدند، اما به گواهی تاریخ با همه هزینهٔ فراوان که در این راه نمودند، توفیق چندانی به دست نیاوردند و با همهٔ مهاجرت مسیحیان و جذب مهاجران چینی و غیره بیش از ۷٪ جمعیت کشور را نتوانستند با خود همراه سازند.

به هر حال حضور استعمار و ستم‌های چند لایهٔ آن، همبستگی بیشتر اسلامی و ملی مجموعه جزایر مالزی را به بار آورد و مردم با تکیه به آموزش‌های اسلامی و فرهنگ پویا و قوی دینی در مقابل استعمار به مقاومت پرداختند و طبیعی است که نخستین فریادهای مقاومت و اولین پرچم پایداری از میان مسلمانان سر برآورد. اسلام توانست برای استقلال مالزی نقش مؤثر و قاطع ایفا کند، چنان که به گواهی همگان از تفرق و از هم پاشیدن کشور جلوگیری کرد و با برتری‌ای که در

میان سایر ادیان و در دل مردم داشت، توانست مالزی را یکپارچه و متحد نگهدارد و به عنوان یک نیروی محکم هویت‌بخش و وحدت‌آفرین ایفای نقش نماید.

با این همه، دست‌اندازی‌های استعمار جهت عدم تحقق استقلال واقعی مالزی و حفظ اقتدار آن به عنوان قدرت اسلامی پایان نیافت و پس از استقلال آن در سال ۱۹۵۷، نیز ادامه پیدا کرد. سرانجام در سال ۱۹۶۳ سنگاپور از آن جدا شد و بدین ترتیب بر توان آن ضربه زد.

شاخص‌های حضور اسلام در مالزی

پس از شکست استعمار و استقلال این کشور، دین اسلام به عنوان مؤثرترین مؤلفه فرهنگ‌ساز و تأثیرگذار در این کشور به راه خود ادامه داد و تلاش‌های ملی‌گرایی که از سوی روشنفکران غربگرا هدایت می‌گردید و عمدتاً جهت ضددینی داشت، به جایی نرسید. ترویج تفکر چپ و مارکسیستی توسط چین و در میان چینی‌های ساکن مالزی که به بودیسم تعلق داشتند نیز نتوانست غلبه تفکر دینی و رویکرد کلی اسلامی مردم را تحت تأثیر قرار دهد و اسلام را از صحنه سیاست و اجتماع دور سازد.

نشانه‌ها و شاخص‌هایی حیات دینی و معنوی مردم مالزی را در دوران استعمار (قرون نوزدهم و بیستم میلادی) و شرایط کنونی نشان می‌دهد و می‌تواند در مجموع اعتقاد ژرف مردم آن دیار را به اسلام و مساعدت جامعه مالزی را جهت ترویج دین و پاسداری از ارزش‌های دینی و معنوی، آفتابی کند.

بیش از ۶۰٪ جمعیت بالای بیست میلیونی مالزی به اسلام معتقدند و چنانکه اشاره شد این آیین، مؤلفه اصلی هویت قوم عمده این کشور یعنی مالایو را به خود اختصاص می‌دهد. اگر بپذیریم که اکثریت داشتن مالایو از سویی و اصالت آنان در مالزی و مهاجر دانستن بقیه اقوام و نژادها را از سوی دیگر، مفهوم غلبه فرهنگی آنان را به دیگران می‌رساند و این امر دست‌کم در مورد مالزی مورد تشکیک نیست، اسلام به عنوان دین مورد اعتقاد مالایوها و بخشی دیگر از اقوام کشور، وجهه غالب فرهنگی و جلوه اجتماعی آن کشور را فرا گرفته است و در مظاهر گوناگون حیات اجتماعی و ظواهر فرهنگی اهالی آن خودنمایی دارد که از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- رعایت حجاب اسلامی توسط زنان مسلمان بسیار چشمگیر و برجسته است و این تنها حجاب نیست بلکه سایر شعایر اسلامی که در ارتباط زندگی خصوصی و خانوادگی افراد می‌باشد، نفوذ عمیق و فراگیر خود را در زندگی مالایو و به طور کلی مسلمانان مالزی تثبیت نموده است.

در این کشور، ضمن رعایت حجاب «لباس‌ها بسیار ساده است، در مصرف زیور آلات و تزیینات بسیار قانع و کم‌خرج‌اند حتی افرادی که مشاغل سیاسی - علمی برجسته‌ای دارند به خصوص در ماه رمضان، ساده و بی‌آرایش غذای خود را به همراه برده و با ندای ملکوتی اذان افطار می‌کنند.» (گلی‌زواره، ۱۳۷۸: ۲۶۰)

۲- شعایر اسلامی مربوط به تولد فرزند، ازدواج، طلاق و مرگ کاملاً در جامعه اسلامی مالزی حاکم است و خارج از آموزه‌های اسلامی و صبغه دینی مفهوم و آدابی برای آنها متصور نیست.

۳- مکانت برجسته علمای دینی، سادات، معلمان مذهبی و حجاج در میان اقشار مختلف جلوه دیگر از دین‌مداری مردم این سرزمین می‌باشد. در یکی از منابع که مسلمانان مالزی را در دوران استعمار مورد مطالعه قرار داده آمده است:

«علمای روستایی نمایندگان اصلی اسلام بودند. آنها مراقب طاعت بودند؛ علوم اسلامی را تدریس می‌کردند؛ بر مراسم ازدواج و مرگ نظارت داشتند؛ در منازعات داوری می‌کردند؛ بیماران را شفا می‌دادند و از بیت‌المال حفاظت و مالیات اسلامی را جمع‌آوری می‌کردند. نفوذ آنان با ازدواج با سایر علما و خانواده‌های مالکان ثروتمند بیشتر می‌شد. به رغم آن که گهگاه یکی قاضی در تشکیلات مرکزی منصوب می‌شد علماً اساساً کارگزاران فردی بودند و نه تابع نظارت دولت و گرچه به مکتب فقهی شافعی و اغلب به یکی از سلسله‌های صوفیه وابسته بودند.» (لاپیدوس، ۱۳۷۶: ۲۸۲)

۴- حساسیت نسبت به سرنوشت سایر مسلمانان جلوه دیگر از فرهنگ اسلامی و نفوذ اسلام در میان مردم این کشور است. افزون بر آن که این کشور عضو فعال سازمان کنفرانس کشورهای اسلامی است، ریاست کنونی این کنفرانس را به عهده دارد و همواره درباره سرنوشت جهان اسلام و مسلمانان، برخورد مثبت و موضعگیری اسلامی داشته است و همواره تأکید می‌کند: «کشورهای اسلامی باید اختلافات خود را کنار بگذارند و با اتحاد و یگانگی برای مشکلات جهان اسلام تصمیمی اتخاذ کنند.» (کیهان، ۱۳۷۳/۱/۲۰).

کشور مالزی در فاجعه‌های مختلف که برای مسلمانان در دهه‌های اخیر رخ داد از جمله کشتار مسلمانان بالکان (بوسنی و هرزگوین و اطراف آن) و مشکلات روز افزون ملت فلسطین، بسیار فعال و دلسوزانه موضع گرفت و تا آن پیمان‌ه پیشرفت که واکنش برخی سران غرب را برانگیخت. (گلی‌زواره، ۱۳۷۸: ۲۶۲) می‌توان گفت «مسلمانان مالزی همواره در مسائل بین‌المللی مربوط به جهان اسلام مانند قضیه فلسطین و افغانستان مواضع مثبتی اتخاذ نموده‌اند.» (مالزی، ۱۳۷۳: ۵۷)

تفوق شخصیتی و روحی مسلمانان و مباحث به مسلمان بودن، نکته‌ای است که در میان مسلمانان مالزی بیش از نقاط دیگر جهان اسلام، مشاهده می‌شود.

مسلمانان این کشور «درست کردار و نیکو رفتارند و نسبت به دیگر گروه‌های مسلمان با عزت و احساس برجسته‌ای زندگی می‌کنند. گروه‌های مذهبی در نهایت صلح و صفا در کنار هم و با هم زندگی می‌نمایند. مسلمان بودن در مالزی با نوعی افتخار و عزت نفس توأم است» (گلی‌زواره، ۱۳۷۸: ۲۶۰).

تعامل سیاست و دیانت

مذهب و دیانت در مالزی نقشی عمده و جایگاهی فراتر از مراسم فردی و آیینی دارد. بنیادگرایی اسلامی مالزی در جنبش دعوت خلاصه می‌شود. هدف جنبش دعوت تنها تبلیغ اسلام برای غیر مسلمانان و ترویج آن در راستای خط افقی نیست، بلکه می‌کوشد تا از طریق وحدت در میان مسلمانان و حذف موضوعاتی که باعث اختلاف می‌شود، همبستگی و پیوستگی آنها را استحکام بخشد. گروه‌های کوچک‌تر افراطی نیز وجود دارند که گاهی به غیر مسلمانان به ویژه معبد هندوها یا ایستگاه‌های پلیس حمله می‌کنند، اما چندان قابل توجه نمی‌باشند و در میان توده مردم جایگاهی ندارند.

طبق قانون اساسی مالزی، اسلام دین رسمی کشور است ولی افراد در انتخاب دین و انجام مراسم دینی آزاد می‌باشند و حتی پیروان سایر ادیان اجازه تبلیغ اعتقادات دینی خود را در میان هم‌دینان خود دارند.

پادشاه، نخست وزیر و حاکمان ایالات مالزی باید مسلمان باشند ولی اعضای کابینه لزوماً پیروان اسلام نبوده و می‌توانند از میان اقلیت‌های غیرمسلمان می‌باشند. حاکمان ایالات در مناطق خود حکم رهبر مذهبی را دارند و پادشاه، پیشوای دیانت اسلامی در ایالت خود و نیز ایالات مالاکا، پنانگ، صباح و منطقه فدرال است و به طور متناوب از حاکمان ایالات انتخاب می‌شود.

حکومت مالزی جهت حفظ یکپارچگی و جلوگیری از گسست مذهبی و دینی، سازمان‌ها و نهادهای مختلف را جهت نظارت بر فعالیت‌های مسلمانان و سامان دادن امور آنان ایجاد کرده است؛ نظیر «شورای ملی امور اسلامی» و «کمیته فتوا» که فعالیت‌های اسلامی را کنترل می‌کنند و در واقع امور دینی را با حکومت هماهنگ نموده و کتاب‌های دینی، فتاوی دینی و فعالیت‌های مساجد، مدارس دینی و به طور کلی غیردولتی را زیر نظر دارند.

سیاست کلی دولت مالزی در زمینه مسائل فرهنگی مبتنی بر این پیش فرض است که اسلام دین مصلحت‌گرا و همساز با روح دموکراسی است. هم چنین برخی از ارزش‌های اسلامی مثل اخوت اسلامی و مدارا کردن با غیر مسلمانان، صداقت، درستکاری، نظم، هماهنگی، پاکیزگی و احترام به سالمندان را از ارزش‌های جهانی تلقی کرده و اشاعه آن را در جامعه به نفع همه مردم حتی غیرمسلمانان می‌داند. از این رو دولت مالزی با برداشت‌های افراطی از اسلام مخالف است و تندروی برخی از جریان‌های اسلامی را ناهم‌ساز با اصول دموکراتیک حاکم بر اسلام می‌داند (همان: ۴۵).

زبان و خط

زبان رسمی مالزی مالایویا یا هاسامالیزیا است که در سیستم آموزشی و کلیه مکاتبات کشور از آن استفاده می‌شود. قبل از سلطه استعمار انگلیس، این زبان با خط و الفبای عربی تحریر می‌شد، اما پس از آن، در اثر سیاست‌های استعماری و ضد اسلامی، رسم الخط این کشور به الفبای لاتین تغییر یافت؛ هر چند هنوز تعداد فراوانی از لغات عربی را در آن می‌توان یافت. زبان انگلیسی زبان دوم کشور است و زبان‌های محلی که بدان اقوام مختلف کشور تکلم می‌کنند، متعدد و متنوع می‌باشند. از جمله آن می‌توان به زبان‌های چینی، هندی، تامیلی، مون ضری، پنجابی، بنگالی، پشتو و سینهالی اشاره کرد (همان: ۳۳).

اسلام، عامل پیشرفت همه جانبه

مردم مالزی مسلمانان آرام، صلح‌دوست، خویشتن‌دار و متدین‌اند و با خشونت، قانون‌شکنی و اغتشاش میانه‌ای ندارند. بزرگ‌ترین مسجد جهان با مناره‌های بی‌مانند در اطراف کوالالامپور پایتخت کشور ساخته شده است.

مالزی در اختلافات مرزی بر سر بعضی جزایر که با اندونزی داشت و در دهه شصت میلادی باعث تشنج روابط آن دو گردید، با کمک داورى دادگاه لاهه برنده شد و با تصاحب جزایر مزبور اکنون اختلاف مرزی با همسایگانش ندارد.

نخست‌وزیر سابق مالزی با بیش از بیست سال حاکمیت، به طور مسالمت‌آمیز و داوطلبانه از قدرت کنار رفت و این امر به صورت رضایتمندانه و در اوج محبوبیت توسط ماهاتیر محمد صورت گرفت. او به عنوان پدر مالزی نوین و معمار مالزی پیشرفته شناخته می‌شود و مردم پیشرفت‌های اقتصادی و وحدت ملی کشور را بیشتر مدیون وی می‌دانند (همان: ۲۶۱).

وی در مورد تبیین پیشرفت مالزی تأکید می‌کند: تمام برنامه‌ها و ساز و کارهایی که در مالزی به کار بسته شد و به پیشرفت مالزی و نام و آوازه آن منجر گردید، ملهم از اسلام بود. هیچ برنامه و الهامی از غرب و فرهنگ غیراسلامی جهت علاج مشکلات مالزی که از استعمار و غرب ناشی می‌شد، وام گرفته نشد و اسلام بیش از این برای پیشرفت مسلمانان توانایی و قدرت دارد، مشروط به آن‌که ما آن را خوب شناخته به کار بندیم (به نقل از: پگاه، ۱۳۸۳/۱۱/۲۷).

در مورد وضعیت اقتصادی و رفاهی مالزی بنابر منابع موجود، این کشور، بی‌سودی را ریشه کن کرده است و از لحاظ اقتصادی و منابع طبیعی و رونق اقتصادی، مقام بلندی در میان کشورهای در حال توسعه دارد. این کشور اولین تولیدکننده کائوچو در جهان است و ۴۰٪ کائوچوی جهان را تولید می‌کند. هم‌چنین ۶۰٪ صادرات جهانی روغن نخل را به عهده دارد و از لحاظ تولید لعل رتبه اول را به خود اختصاص داده است. تولید برنج آن سه میلیون تن در سال است و علاوه بر شرایط جنگلی و گیاهان نادر دارویی، مالزی با داشتن صد معدن قلع، بزرگ‌ترین تولید کننده قلع در جهان است.

این کشور در اواخر دهه ۱۹۹۰ حدود سی میلیارد دلار صادرات داشت که ۵۰٪ آن کالاهای ساخته شده داخل بود. در آمد سرانه این کشور بیش از ۲۵۰۰ دلار بوده و بیش از ده میلیارد دلار ذخیره ارزی دارد. صادرات در مالزی بر واردات پیشی گرفته و سالانه هفت میلیون نفر توریست از آن سرزمین بازدید می‌کند (اطلاعات، ش ۱۹۶۹۲ و ۱۹۶۹۷ و گلی‌زواره، ۱۳۷۸: ۲۶۱).

طبیعی است پیشرفت هر کشوری از جمله مالزی تنها به منابع طبیعی وابسته نیست. فاکتورهای مختلف باید دست به دست هم دهد تا رونق اقتصادی به بار آورد و چنان که ماهاتیر محمد، نخست‌وزیر پیشین بر آن تأکید ورزید، عامل مهم توسعه کشور مالزی تدین به اسلام و فرهنگ آن سرزمین بوده است و مسائل مهم مانند امنیت، صلح، صداقت، مدیریت صحیح و استفاده بهینه از شرایط، امکانات و فرصت‌ها و نیروی انسانی سالم، توسط اسلام و فرهنگ آن ارزانی مالزی شده است.

برگزاری همه ساله مسابقات قرآنی

یکی از برنامه‌های ثابت دولت مالزی که سال‌هاست مرتب و با شکوه خاص برگزار می‌گردد، برگزاری مسابقات بین‌المللی حفظ، قرائت و تفسیر قرآن کریم می‌باشد که معمولاً در ماه نزول وحی و

ماه دعا و قرآن کریم یعنی ماه مبارک رمضان هر سال منعقد می‌گردد. این امر توجه دولت این کشور و مهم‌تر از آن اقبال مردم آن را به قرآن مجید و انواع آثار مثبت معنوی و روحانی و اجتماعی آن، نشان می‌دهد.

موضوع دیگر، برگزاری انواع همایش‌های سیاسی چون اجلاس سران و وزرای خارجه کشورهای اسلامی، تجاری و اقتصادی و صنفی در آن کشور است که همه ساله شاهد آن هستیم. جالب آن‌که نه تنها در همایش‌های قرآنی و سیاسی، حتی در همایش‌های تجاری نیز این کشور به جهان اسلام و تقویت امت اسلامی و مردم مسلمان از لحاظ تجاری و اقتصادی توجه ویژه دارد و برای تقویت روح همبستگی دینی و سیاسی مسلمانان از این ره‌گذر می‌کوشد. آخرین همایش تجارت که در تاریخ ۲۰ تا ۲۱ ژوئن در آن کشور برگزار شد با سخن‌رانی نخست وزیر جدید آن کشور عبدالله احمد بدایوی، افتتاح گردید:

«گفته می‌شود که هدف از اجرای چنین همایشی، تقویت و استحکام روابط اقتصادی میان کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی است و برای حمایت و تقویت مشارکت میان انجمن‌های تجاری کشورهای اسلامی و تسهیلات و خدمات تجاری میان اعضا می‌باشد. در کنار این همایش، نمایشگاه تجارت بازرگانی برپا خواهد شد که محصولات کشاورزی و صنفی شامل وسایل نقلیه، قطعات یدکی، کالاهای الکتریکی و الکترونیکی نمایش داده خواهد شد. هم‌چنین فرآورده‌هایی در بخش خدماتی مانند بانکداری، مالی، ایجاد بیمه‌های اسلامی، فناوری، ارتباطات و اطلاعات، جهان‌گردی و بهداشت به نمایش گذاشته می‌شود» (پگاه حوزه، ۲۱/۳/۱۳۸۴: ۱۷).

منابع و مأخذ

- ۱- آسیا؛ شناسایی کشورها، ترجمه فرامرز یآوری، تهران، گیتاشناسی، ۱۳۷۱.
- ۲- دایرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ۳- روزنامه اطلاعات، ش ۱۹۶۹۲ و ۱۹۶۹۷.
- ۴- روزنامه کیهان، شماره ۱۵۰۳۸، سال ۵۲، سه‌شنبه ۱۳۷۳/۱/۲۰.
- ۵- گلی‌زواره، غلام‌رضا، شناخت کشورهای اسلامی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸.
- ۶- لایپدوس، ایرام، تاریخ جوامع اسلامی قرن نوزدهم و بیستم، ترجمه دکتر محسن مدیرشانه‌چی، مشهد، بنیاد.

۷- ناصری داوودی، عبدالمجید، وضعیت کنونی جهان اسلام، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.

۸- وزارت امور خارجه، مالزی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۳.

۹- هفت‌نامه پگاه، شنبه ۱۳۸۳/۱۱/۲۷.



گزارشی از یک کتاب